

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نقد و بررسی فرمایش دوم محقق حائري(ره)

فرمایش دوم مرحوم محقق حائري(ره) را ملاحظه فرمودید و مقدماتی را که برای بیان مقصودشان ذکر کرده بودند عرض کردیم.

این فرمایش ایشان چنداشکال مهم دارد.

اشکال محقق بروجردي(ره)

یک اشکال که در کلمات مرحوم محقق بروجردي(اعلي الله مقامه الشریف) وارد شده این است که، آنچه که ایشان در این بیان دوم، برای کیفیت اخذ قصد امر تصویر نموده‌اند، یک مطلبي است که در عالم تصویر و مجرد تصویر است و با آنچه که در واقع داریم، سازگاري ندارد.

ایشان(محقق حائري(ره)) فرموده‌اند که: در اینجا متعلق عبارت است از، نماز بضمیمه نبودن سائر دواعي غير الهیه و چون سائر دواعي غير الهیه، با قصد قربت و قصد الامر در عالم خارج ملازمه دارد، نتیجه می‌گیریم که، اگر کسی متعلق را آورد، یعنی نماز بضمیمه سائر دواعي غير الهیه را آورد، بضمیمه نبود دواعي غير الهیه، نمازی که درش ریا، عجب نباشد، نمازی است که بقصد امر واقع شده است.

اشکال این است که، این مجرد یک تصویر و تصوري در مسئله است و بر خلاف چیزی است که در واقع ملاحظه می‌کنیم. در واقع آنچه هست این است که، خود صلاه را بقصد قربت انجام می‌دهیم.

اشکال دوم بر فرمایش مرحوم حائري(ره)

اشکال دوم بر فرمایش مرحوم حائري(ره) این است که، واجب نفسي را دو قسم کرده؛ یکی واجب نفسي لنفسه و دوم واجب نفسي للغير.

در حقیقت خواسته‌اند بیان کنند که، اگر واجب را به این صورت ذکر کنیم که، متعلق امر، صلاه بعلاوه نبود سائر دواعي غير

الهیة است، این واجب نفسی للغیر می‌شود، یعنی صلاه بضمیمه نبود سائر دواعی غیر الهیه، برای قصد القربه، واجب نفسی للغیر است، در حالی که این بر خلاف ارتکاز متشرعه است.

اگر صلاه را، مثل غسل قبل الفجر یا وجوب تعلم قرار دهیم، این بر خلاف ارتکاز متشرعه است، صلاه در ارتکاز متشرعه این اقتضاء را دارد که، خودش یک واجب نفسی لنفسه باشد و نه للغیر.

اشکال سوم بر فرمایش مرحوم حائری(ره)

اشکال سوم این است که، ایشان در حقیقت اصلاً جواب مرحوم آخوند(ره) و دیگران را که گفته‌اند: اخذ قصد امر در متعلق محال است، نداده‌اند، ایشان در این بیان دوم، راهی را طی کرده‌اند که، قصد قربت نه شرطاً و نه شطراً، داخل در متعلق نیست.

یکی از مقدمات فرمایش ایشان همین بود که بگوییم: آنچه طلب به آن تعلق پیدا کرده، صلاه بانضمام نبودن سائر دواعی غیر الهیه است، اما قصد امر را از دایره طلب و متعلق خارج کرده می‌گوییم: صلاه بضمیمه نبودن سائر دواعی غیر الهیه واجب می‌شود.

این مطلب للغیر نتیجه‌اش این است که، شما قصد الامر بطور کلی از دایره متعلق خارج کرده‌اید، یعنی بیانی را ذکر نکرده‌اید که، با وجود این که قصد الامر داخل در متعلق هست، بفرمایید: این هیچ اشکال و استحاله‌ای ندارد.

نظیر اشکالی که بر بیان اول ایشان وارد کردیم که گفتیم: بیان اول ایشان هم خارج از مبناست. مبنای در این بحث این است که، تعبدی و عبادی بودن به این است که، مکلف در مقام عمل، فعل را به قصد الامر انجام دهد.

ایشان در جواب اول هم برای عبادت معنای دیگری ذکر کرده بودند که، اصلاً نیازی به اخذ قصد امر در متعلق و عبادت نباشد که، عرض کردیم این علاوه بر این که مبنایی بر خلاف همه اصولیین در باب عبادیت است، روش جواب دادن از فرمایش مرحوم آخوند(ره) نیست.

مرحوم آخوند(ره) هم به تبع شیخ انصاری(ره) – که مبتکر این بحث بوده و فرموده: شارع و خداوند وقتی که می‌خواهد امر را متوجه به صلاه کند، نمی‌تواند در متعلق قصد الامر را بعنوان جزئیت یا شرطیت بیاورد که، نتیجه و ثمره این بحث این می‌شود که، اگر تقید محال شد، می‌گویند: اطلاق هم محال می‌شود – فرموده: روی این مبنا واجب تعبدی، آن است که قصد امر می‌خواهد و روی همین مبنا هم، چند دلیل اقامه کرده‌اند بر این که، قصد الامر را مولا نمی‌تواند جزء متعلق یا بعنوان شرط متعلق ذکر کند.

بنابراین، همانطوری که جواب اول مرحوم محقق حائری(ره) از مرحوم محقق خراسانی(ره) جوابی بود که، خارج از فرض در محل نزاع است، جواب دومشان هم، همینطور است.

در جواب دوم طوری متعلق را تصویر کرده‌اند که، قصد الامر داخل در متعلق نیست، اگر داخل در متعلق نباشد، دیگر آن اشکالات و استحاله‌هایی که مرحوم آخوند(ره) و دیگران گفته‌اند، وارد نمی‌شود.

سوال:...

پاسخ استاد: چرا مرحوم حائری(ره) واجب نفسی للغیر درست کرد؟ لذا اگر عبارات ایشان را ببینید فرموده‌اند: اگر کسی بگوید:

شما که می‌گویید: متعلق عبارت است از صلاه به ضمیمه نبود سائر دواعی غیر الهیه و می‌گویید: قصد الامر خارج از متعلق است، در حالی که آنچه که برای عبادیت لازم است، همان قصد الامر است، با نبود قصد الامر در متعلق، چگونه می‌گویید که: این متعلق مطلوب برای مولا است؟

جواب می‌هند که، از راه واجب نفسی للغير که، شارع و مولا امر را متوجه صلاه بضمیمه نبود سائر دواعی غیر الهیه می‌کند، منتها این صلاه این چنینی وجب للغير، یعنی برای همان قصد قربت و قصد الهیه، چون می‌خواهد واجب شود اشکالی ندارد.

اما اصل این را مرحوم حائری(ره) در این بیان دوم تصریح کرده‌اند که، قصد الامر از دائره متعلق خارج شد، وقتی خارج شد اشکال این است که، پس شما جواب مرحوم آخوند و مرحوم شیخ(قدس سرهما) و جواب کسانی که قائل به استحاله‌اند را نداده‌اید.

در حالی که این خلاف آن فرضی است که، اینها مسلم گرفته‌اند، مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آخوند(قدس سرهما) گفته‌اند: واجب تعبدی، واجبی است که، اگر مکلف بدون قصد امر بیاورد، غرض مولا محقق نمی‌شود. اول می‌گفته‌اند: واجب تعبدی، واجبی است که قصد امر در آن معتبر است، بعد می‌گویند: آیا مولا می‌تواند قصد امر را در سائر اجزاء، جزء یا شرط برای متعلق قرار دهد یا نه؟

اگر بتواند و جزء قرار نداده می‌گوییم: اصاله الاطلاق در جایی که شک می‌کنیم، واجب تعبدی است و یا تصولی، حکم به تصولی بودن می‌کند.

اما اگر گفتیم: این قید، از قیودی نیست که، مولا بتواند داخل در متعلق بیاورد - بعدا بحث مفصلي داریم که، بعد از این عرض می‌کنیم - و بگوییم: نسبت بین اطلاق و تقید، نسبت عدم و ملکه است، یعنی اگر تقید محال شد، اطلاق هم محال شود، دیگر نمی‌توانیم بگوییم که: اصاله الاطلاق توصلیت را اقتضا می‌کند.

البته می‌توانیم بگوییم: مرحوم حائری(ره) جواب مرحوم آخوند(ره) را نداده، بلکه خودشان برای تعبدیت، بنحو مستقل راه دیگری ذکر کرده است و اشکالی هم ندارد.

بنابراین جواب دوم مرحوم حائری(ره) مواجه با این سه اشکالی بود که عرض کردیم.

نظر استاد محترم در این مسئله

در این بحث که آیا اخذ قصد امر در متعلق امکان دارد یا نه؟ تقریبا حدود شاید نه دلیل از ادله قائلین به استحاله را بیان کردیم و آنطوری که در ذهنم هست، همه ادله را مورد مناقشه قرار دادیم و دلیل محکمی که بتوانیم به اعتماد آن، بگوییم: شارع و مولا نمی‌تواند قصد امر را داخل در متعلق قرار دهد، پیدا نکردیم.

لذا به این نتیجه می‌رسیم که، اخذ قصد امر در متعلق استحاله ندارد، نه استحاله ذاتیه دارد و نه استحاله عرضیه دارد، نه در مقام جعل، نه در مقام انشاء و نه در مقام فعلیت دلیلی بر استحاله تا بحال پیدا نکردیم.

مرحوم امام(ره) هم قائل شده‌اند به این که، اخذ قصد امر در متعلق امکان دارد و همه ادله‌ای را که برای استحاله ذکر شده، رد کرده‌اند.

مرحوم آقای خوئی(ره)(در کتاب محاضرات، جلد 2، صفحه 164) هم همین نظریه را داشته‌اند که، اخذ قصد امر در متعلق امکان دارد و یک بیانی برای مدعیان ذکر کرده‌اند که، با این بیان، جمیع اشکالاتی که بر اخذ قصد امر ذکر شده و به تعبیر دیگر جمیع ادله‌ای که بر استحاله اقامه شده، از بین می‌رود.

مرحوم آقای خوئی(ره) با این بیان خواسته‌اند، راه تصحیح اخذ قصد قربت و قصد امر در متعلق را ذکر کنند و بعد بفرمایند که: با این بیان، جمیع ادله‌ای که بر استحاله ذکر شده، منتفی می‌شود و از بین می‌رود.

امروز چهارشنبه است، بحث را به همین مقدار که، جواب مرحوم حائری(ره) را مفصل عرض کردیم، اکتفا می‌کنیم.

نظریه مرحوم آقای خوئی(ره) در محاضرات را هم ببینید بعد که، این بحث دیگر ان شاء الله تمام می‌شود.

آقایان همت کنند، چون این بحثی، یک مقدارش بعد از رمضان و اکثرش هم قبل از رمضان بیان شد و بحث مفصلی هم شد، در کتاب های اصولی هم که مراجعه کنید، بحث شلوغی است و کلمات بین استحاله ذاتیه و استحاله عرضیه و بین دلیل بر استحاله در مقام جعل، در مقام انشاء و فعلیت و در مقام امتثال خلط شده است، این را بنویسند، من هم حوصله می‌کنم و تمام این نوشته جاتی که می‌نویسید را ان شاء الله می‌بینم.

بحث اخلاقی هفته

دنباله آن بحث‌هایی که در روزهای چهارشنبه داشتیم و بعضی از نکات اخلاقی را تذکر می‌دادیم، گاهی هم موفق می‌شدیم که، بعضی از احادیث را یادداشت کرده و می‌آوردیم، اما متأسفانه امروز مجالی نبود تا حدیثی را یادداشت کنم، تا بهتر و کاملتر استفاده شود، اما به تذکر یک نکته مربوط به مسائل علمی اکتفا می‌کنم.

این علمی که در طریق آن هستیم و طی می‌کنیم، علمی هست که از گذشتگان و بزرگان ما، زحمات زیادی کشیده‌اند، تا امروز در اختیار ما قرار گرفته است.

شما اصول را ببینید، از شیخ مفید(ره) که تمام اصولشان سه صفحه بیشتر نبوده، تا رسیده به اصولی که، الان بعضی از اصول‌ها، حدود هشت و نه جلد مباحث اصولی است و گاهی اوقات بعضی‌ها دیده‌اند که، اصول تورم هم پیدا کرده است که، شاید تا یک حدی هم حرف صحیحی باشد.

مثلا در همین بحثی که داریم که، آیا اخذ قصد امر در متعلق امکان دارد یا نه؟ یکی دو دلیل از ادله استحاله را بیان کنیم و رد شویم، ضرورت صد در صدی نبود که، همه ادله را بیان کنیم. منتها نکته‌ای که وجود دارد این است که، ما که در مجلس درس شرکت می‌کنیم، از خصوصیات بحث‌های طلبگی و شرکت در درس این است که، نمی‌خواهیم زود به نتیجه برسیم.

در درس شرکت می‌کنیم تا ببینیم، روش بحث گذشتگان چه بوده و چطور استدلال می‌کردند و به نتیجه می‌رسیدند. اما این که بلا فاصله بحثی را مطرح کنیم و همین امروز هم به نتیجه برسیم، اثری ندارد. ما که دنبال این نیستیم که، فقط یک سری مطالب را حفظ کرده و برای شما ارایه دهیم و نتیجه‌اش را هم ذکر کنیم که، برای مسئله اخذ قصد امر در متعلق، دو دلیل مهم از ده دلیل بر استحاله ذکر شده است، این دو دلیل، هردو باطل است، پس در نتیجه قصد امر در متعلق امکان دارد، این که نمی‌شود.

اینجا مطلبی یادم آمد که گفتند: یکی از بزرگان خارج مکاسب را شش ماه می‌گوید، گفتم: آخر چطور می‌شود که خارج مکاسب

شش ماهه گفته شود؟ بصورت طنز در آورده بودند که گفت: هر مسئله و فرعی را که مطرح می‌کند، می‌گوید: «و الدلیل علی ذلک جدنا المکرم»، قسم به جدم که فتوا همین است. فرع بعدی همین طور، دیگر شش ماهه هم که نه، زودتر باید تمام شود.

یکی از چیزهایی که یک مقدار گاهی اوقات، ذهن انسان را وسوسه می‌کند این است که، امروز چه نتیجه‌ای بدست ما آمد؟ الان هم متأسفانه حوزه و طلبه‌ها واقعا دارند به همین سمت گرایش پیدا می‌کنند که، در بحثی شرکت کنند که، زود به نتیجه برسند.

این به نظر ما آن وسیله‌ای هست که، آن هدف را نمی‌آورد. اگر فرض کنید، هشت یا نه دلیل در این بحث می‌آوریم، برای این است که اذهان، آن قدر جولان و آمادگی پیدا کند که اگر زمانی مسئله جدیدی هم به وجود آمد، این ذهن این قدر قدرت داشته باشد که، تمام اطراف مسئله را بررسی کند.

امروز بعضی این مراکز آموزشی دنیا، واقعا سعی می‌کنند که، خودشان را به حوزه‌های علمی و درس خارج برسانند.

اگر واقعا آن کسی که می‌گوید، خودش وقت گذاشته و مطالعه کرده و زحمت کشیده باشد، مطالب و انظار را با دقت و با فکر بیان کند، آنهایی هم که شرکت می‌کنند، واقعا روی مسئله فکر کنند، نه اینکه فقط بشنوند و یادداشت کند، به نظر من اگر یک طلبه با این نحو درس خارج شرکت کند، اصلا لازم نیست که حتی درس خارج یک دوره اصول را هم ببیند.

همانطوری که یک مشکل داخلی برای انسان بوجود می‌آید، فکر انسان مشغول می‌شود وقت نماز فکرش مشغول است، وقت غذا خوردن، وقت حرف زدن با دیگران فکرش مشغول است، باید مسائل علمی، تفسیری و قرآنی هم این طور باشد.

در زندگی خیلی از علماء خوانده‌ام که، وقت غذا خوردنشان هم، روی یک مسئله فکر می‌کردند که، در این مسئله چه می‌توانند بفهمند و به نتیجه‌ای برسند. این نقطه افتراق درس‌های ما با سایر دروس است.

طوری باشیم که هیچ همی نداشته باشیم، این مسئله، مسئله مهمی است که، واقعا خداوند وقتی می‌خواست بفرماید: «اقم الصلاه»، رکوع و سجده را در نظر گرفت و جزء صلاه قرار داد، اما آیا قصد الامر را هم می‌توانست جزء صلاه قرار دهد یا نه؟ در مقام ثبوت استحاله دارد یا نه؟

آن وقت علاوه بر این که جزء اعتقادات ما هست که، در هر لحظه‌ای که در مسائل فقهی و اصولی فکر می‌کنیم، واقعا ترتب ثواب هست. چرا انسان این را از دست بدهد؟ انسان کار علمی و فکری انجام دهد که، هم او را به یک نتیجه دینی می‌رساند و یک نتیجه اخروی هم دارد.

علی ای حال باید مقداری بیشتر دقت کنیم و قدر این راهی را که درس قرار گرفتیم، بدانیم.

شیطان خیلی سراغ انسان می‌آید که، خوب این همه انسان زحمت بکشد، چه می‌شود؟ اینها همه وسوسه‌هایی است که شیطان برای انسان بوجود می‌آورد.

از خداوند بخواهیم که، ان شاء الله عنایت کند و ما را در این مسیری که هستیم؛ اولاً مستحکم قرار دهد و ثانیاً عنایات خاصه خودش را، بر همه ما و بر آنهایی که در این مسیر علم قرار دارند، بیشتر و بیشتر بفرماید، ان شاء الله.

وصلَّى الله على محمد و آله الطاهرين